

ترجمه‌ی ادبیات کودک؛ ضرورت‌ها و آسیب‌ها

فرناز میری

نشست «ترجمه در حوزه‌ی کودکان» عنوان یکی از سلسله نشست‌های بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بود که در آخرین روزهای این نمایشگاه در سرای اهل قلم کودک و نوجوان با حضور کارشناسان، نویسندگان و مترجمان آثار کودک و نوجوان و علاقه‌مندان این حوزه برگزار شد.

در این نشست حجت الاسلام و المسلمین اصغر صابری، رییس مرکز ساماندهی ترجمه و نشر در حوزه‌ی معارف اسلامی، خسرو آقاییاری، نویسنده و مدیر امور ادبی استان‌ها در مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، حمیدرضا شاه‌آبادی، معاون تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و محمدرضا یوسفی، نویسنده حضور داشتند و به بحث و سخنرانی پیرامون موضوع نشست پرداختند. شهرام اقبال‌زاده، مترجم و منتقد نیز دبیری این نشست را برعهده داشت.

صابری: ترجمه کتاب‌های کودک به ارزیابی کارشناسان نیاز دارد

به گزارش کتاب ماه کودک و نوجوان، حجت الاسلام و المسلمین اصغر صابری، رییس مرکز ساماندهی ترجمه و نشر در حوزه معارف اسلامی در ابتدای این نشست با تأکید بر موضوع نشست گفت: در ارتباط با این موضوع باید آسیب‌ها، موانع و مشکلاتی که در این حوزه وجود دارد بررسی شوند و کارشناسان با ضرورت‌های ترجمه‌ی آثار کودک و نوجوان به زبان‌های دیگر آشنایی داشته باشند. به عبارت دیگر باید حرکت جدی، منسجم و هماهنگی در حوزه‌ی ترجمه‌ی ادبیات کودک آغاز شود.

وی در ادامه توضیح داد: حوزه‌ی تالیف کتاب و اصل موضوع کتاب متولیان زیادی در سراسر کشور دارد. ارگان‌ها، نهادها و سازمان‌های مختلف چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی همگی به موضوع کتاب می‌پردازند و از دیدگاه‌های مختلف آن‌را مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهند. اما هنگامی که بحث و موضوع ترجمه مدنظر است متوجه می‌شویم آن‌چنان که به اصل کتاب بها داده می‌شود و به‌طور طبیعی نیز لازم است و حتی گاه نیازمند توجه بیشتر به این مقوله هستیم، اما ارگان‌ها و نهادهای مختلف به مترجمان و موضوع ترجمه توجه شایانی نشان

نمی‌دهند. در حقیقت ترجمه متولی ویژه‌ای ندارد. به عنوان مثال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موسسات پژوهشی و نشریات مختلفی در حوزه‌ی کتاب فعال هستند و به مقوله‌ی کتاب می‌پردازند اما جای این پژوهش‌ها در زمینه‌ی ترجمه خالی است.

صابری در رابطه با ترجمه‌ی ادبیات کودک ایران عنوان کرد: هرچند به مقوله‌ی ترجمه به اندازه‌ی نیاز بها داده نشده است، اما بالاخره در حوزه‌ی معارف اسلامی و ادبیات زبان و فارسی تاحدی آثاری به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند. هرچند



این فعالیت اندک بوده و در حد نیاز نبوده است. اما در زمینه‌ی ترجمه ادبیات کودک متأسفانه این حوزه فقیرتر از حوزه‌های دیگر است و تنها کارهایی به صورت پراکنده انجام شده است. آمار کتاب‌های ترجمه شده در حوزه‌ی کودک به زبان‌های مختلف بسیار محدود و ناچیز است. به همان میزانی که کودکان ایرانی به آشنایی با ادبیات و فرهنگ ملل مختلف نیاز دارند باتوجه به اطلاعات بدست آمده بسیاری از کشورها نیز علاقه‌مند به آشنایی با ادبیات کودک ایران هستند. این علاقه گاه به دلیل ارتباط دینی و مذهبی آن کشورها با کشور ماست.

وی در ادامه از فرهنگ و ادبیات ایران به عنوان فرهنگ و ادبیاتی غنی یاد کرد و اظهار داشت: اما برخی از کشورها علاقه‌مند هستند که با ادبیات و فرهنگ ایرانی نه از بعد دینی بلکه به عنوان یک فرهنگ شناخته شده و غنی آشنا شوند. به عنوان مثال در روسیه کتابخانه‌ی بزرگی در نزدیکی ساختمان رایزنی فرهنگی ایران وجود دارد. زیربنای این کتابخانه بالغ بر ۲۰ هزار متر مربع است و هر بخش آن یک حوزه از حوزه‌های کتاب کودک را سامان می‌دهد. سرای تصویرگری، صفحه‌آرایی، تالیف و ترجمه از بخش‌های این کتابخانه هستند و شاید بتوان آن را معادل کتابخانه‌های بزرگ و عمومی ایران در نظر گرفت. از سوی دیگر کتاب‌های کودک از ملیت‌های مختلف را در این کتابخانه گردآورده‌اند تا نامی از فرهنگ ملل مختلف در حوزه‌ی نگرش آن‌ها به بحث کودک را نمایش دهند. زیرساخت‌های اندیشه‌ای افراد از همان دوران کودکی شکل می‌گیرد. بنابراین باتوجه به اهمیت موضوع در آن کشور به کتاب کودک پرداخته‌اند.

رییس مرکز ساماندهی ترجمه و نشر در حوزه‌ی معارف اسلامی ادامه داد: در کشورهای دیگر مجامع علمی و نویسندگان همگی علاقه‌مند به آشنایی با ادبیات کودک ایران هستند. اما ضعف‌های اساسی در این حوزه وجود دارد. از یک سو به این مقوله کم پرداخته شده و از سوی دیگر آن میزانی که پرداخته شده نیز گاهی به خوبی عرضه نشده است. به عنوان مثال کتابی با نقاشی‌های شرقی جذابیت ویژه خود را دارد و کودک ایرانی با این نوع نقاشی و ادبیات آشناست و برایش جذابیت دارد. اما اگر چنین کتابی را به همان صورت به زبان‌های دیگر ترجمه کنیم شاید آن جذابیتی را که برای کودک ایرانی دارد برای آن‌ها نداشته باشد؛ چراکه این سبک و سیاق مورد پسند جامعه ایرانی است البته این موضوع عمومیت ندارد و استثناهایی هم وجود دارد. گاه نقاشی ایرانی به عنوان یک خلاقیت و امری نو برای فرهنگ‌های دیگر شناخته می‌شود و از جذابیت برخوردار است.

وی به آسیب‌هایی که در حوزه‌ی ترجمه‌ی ادبیات کودک وجود دارد اشاره و تشریح کرد: در کشور ما کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان موسسه‌ای فعالی در این حوزه حضور دارد. همچنین حوزه هنری، موسسات خصوصی و انتشارات‌های مختلف نیز فعال هستند. اما شاید آن انسجام لازم در بین آن‌ها وجود ندارد. نهادی که ظرفیت‌های موجود در حوزه‌ی ترجمه کتاب کودک را هم‌افزایی کند و این توانمندی‌های پراکنده و ضعیف را به توان مضاعف و قدرتمند بدل کند وجود ندارد. در مرکز ساماندهی ترجمه برای رفع این مشکل کمیته‌ای متشکل از نویسندگان، ناشران، مترجمان و دست‌اندرکاران این حوزه راه‌اندازی کرده‌ایم. همچنین در نظر داریم از ظرفیت بخش خصوصی نیز استفاده کنیم تا ارزیابی و نظرسنجی دقیقی در حوزه‌ی ادبیات کودک صورت بگیرد و برنامه‌ریزی جدی و دقیقی در این حوزه انجام شود. این امر از پراکنده‌کاری‌ها و وضعیت نابسامان ترجمه‌ی ادبیات کودک جلوگیری می‌کند تا با استفاده از ظرفیت‌های مختلف حوزه‌ی کتاب کودک با برنامه‌ای منسجم بتوانیم حرکتی را در حوزه‌ی ترجمه کتاب‌های کودک انجام دهیم.

وی افزود: موسساتی را سراغ دارم که بیش از ۷۰۰ عنوان کتاب کودک ترجمه کرده‌اند اما حدود دو سال می‌شود که این آثار یا به دلیل مشکلات مالی و یا نداشتن ارزیابی صحیح از نیازهای این حوزه منتشر نشده‌اند. وجود متخصصان و کارشناسان در این حوزه که ارزیابی‌های نهایی را انجام دهند و توزیع آثار ترجمه شده در کشورهای مختلف را برعهده بگیرند امری ضروری است.

آقایاری: ترجمه و تالیف در تقابل با یکدیگر نیستند

در ادامه نشست آقایاری به بحث در زمینه‌ی ادبیات مدرن و تاثیر ادبیات مدرن در حوزه‌ی ادبیات کودک پرداخت و گفت: به نظر من در گفتمان ادبیات معاصر بحث ادبیات ترجمه می‌تواند فرصت تعامل و گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها را ایجاد کند. اگر از این فرصت بتوان به خوبی بهره‌برداری کرد در ارتقاء ادبیات کودک و نوجوان نیز تاثیر بسزایی دارد. گاهی مسوولان، ترجمه را در تقابل با تالیف قرار می‌دهند و معتقدند اگر تعداد آثار تالیفی بیشتر از آثار ترجمه شده باشد این امر نقطه‌ی قوتی به حساب می‌آید. معتمد این ضرورت وجود ندارد که تالیف و ترجمه را در تقابل با یکدیگر قرار دهیم. تالیف راه خود را می‌رود و ترجمه مسیر خودش را طی می‌کند. البته ادبیات ترجمه بسترسازی می‌کند و گستره‌ی را فراهم می‌آورد که ادبیات تالیفی نیز بتواند



نقش عمده‌ای را ایفا کند. در حوزه ادبیات ترجمه واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد ادبیات ما چه در حوزه بزرگسال و چه در حوزه کودک و نوجوان داشته‌های خودش را از ادبیات مدرن با ترجمه آغاز کرده است. به عبارت دیگر ادبیات مدرن ما با ترجمه آثار قوی ادبیات مدرن دنیا شروع شد. در پیشینه ادبیات فارسی نیز نمونه روشنی برای مخاطب کودک و نوجوان و با این تصور که برای آن‌ها خلق شده باشد نداریم. این شاخه از سرفصل مشروطیت به بعد آغاز شد و از حدود سال ۱۳۰۰ ادبیات کودک و نوجوان شکل گرفته است.

وی ادامه داد: در زمینه نظریه و نقد نیز داشته‌های خود را مرهون ادبیات ترجمه هستیم. اگر در این سال‌ها ترجمه در حوزه نقد و نظریه صورت نگرفته بود در حال حاضر هیچ جایگاه روشنی در این زمینه نداشتیم. اگر فردی بخواهد به‌طور تاریخ‌مند و متدیک قلمرو نظریه‌پردازی را در کشور ما پی‌گیری و داشته‌های ما را در این حوزه ارزیابی کند تا چهره روشنی از آن ترسیم شود پیش از هر چیز باید در حوزه ادبیات ترجمه مطالعات دقیقی داشته باشد.

این نویسنده در بخش دیگر از سخنانش گفت: ادبیات ترجمه گفتمانی در پارادایم ادبیات مدرن است و باید به ماهیت تعامل‌آمیز آن نگاه کنیم. به همان نسبت که دنیای مدرن و غرب در حوزه ادبیات بزرگسال و کودک برای ما دستاوردهایی داشته است و ما از آن استفاده‌های فراوانی کرده‌ایم آن‌چنان که امروز هم استفاده می‌کنیم اما سوال دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا امروز ما در این زمینه و حوزه ادبیات خلاقه دستاوردی داریم تا به آن‌ها ارائه کنیم؟ همچنین به لحاظ نظری آیا پیامی برای ادبیات دنیا داریم؟ برای پرداختن به این سوال و پیدا کردن پاسخ آن‌ها باید به عصر رنسانس و فلسفه کانت برگردیم. از فلسفه کانت تا آن‌چه امروز به عنوان فلسفه نشانه‌شناسی می‌شناسیم دنیا راه زیادی پیموده است. نشان دادن لغزش‌ها و آفت‌هایی که این اندیشه به آن مبتلا شده است نیز همت بزرگی را می‌طلبد. ما در کشوری اسلامی با اتکا به پیشینه فلسفی و معارفی می‌توانیم این لغزش‌ها را ریشه‌یابی کنیم.

وی با تأکید بر این امر که به‌طور کلی نمی‌توان بر بنیادهای اندیشه‌ای و فکری ادبیات خط بطلان کشید تشریح کرد: ادبیات به بنیاد فکری و اندیشه‌ای نیاز دارد. در فلسفه کانت سه دنیا داریم دنیای عین، انسانی که در آن گستره زندگی می‌کند و دنیای ذهن. تمام ادبیات و هنر عصر کانت براساس رابطه علت و معلول شکل گرفته است و ساختار و فرم مشخصی دارد. سال‌های زیادی این فلسفه بر ادبیات و هنر غرب حکومت می‌کند اما از جایی به بعد هنرمند به تکرار و کلیشه می‌رسد و می‌خواهد ساختار شکنی و کلیشه‌زدایی کند. پس نیاز به زمینه‌ی نظری دارد. باید زمینه‌های نظری فراهم شود تا این اتفاق بیفتد. دستگاه فلسفی کانت از یک فقر شناختی رنج می‌برد، فقر شناختی که انسان را مجبور می‌کند تنها در دو سیطره زندگی کند واقعیت عین و واقعیت ذهن. هیچ عالم دیگری هم در برابر آن‌ها وجود ندارد. اما هنرمند، نویسنده و شاعر به قلمروهای مختلفی نیاز دارند. هنگامی که قلمرو شناخت و ابزار شناخت محدود به ابزار حسی پنج‌گانه باشد (آن‌چه در فلسفه کانت اتفاق افتاد) هنرمند به بن‌بست می‌رسد. پس برای برطرف کردن این فقر شناختی و زدودن آن، آرام آرام دستگاه کانت با یکسری نقدهایی که دستگاه‌های فلسفی مختلف متوجه آن می‌کنند روبرو می‌شود. این نقدها دستگاه فلسفه کانت را متحول می‌کنند تا جایی که به فلسفه زبانی می‌رسند.

آقایاری در ادامه توضیح داد: در منطق صوری خوانده‌ایم برای آن‌که هر پدیده‌ای تحقق پیدا کند به چهار علت نیاز دارد. علت مادی، صوری، فاعلی و غایی. در فلسفه‌ی زبان‌شناسی سه علت از این علل چهارگانه نفی می‌شود. علت صوری یعنی بحث فرم و قالب، علت فاعلی و علت مادی نفی می‌شوند، اما علت چهارم که علت غایی است وجود دارد یعنی در هر صورت می‌خواهیم ادبیات بیافرینیم، شعر بسراییم و داستان بنویسیم. شعر و داستان باید فرم داشته باشند و گریزی از این امر نیست بنابراین هنرمند مجبور می‌شود به جایگاه اولیه‌اش برگردد یعنی یک دور ایجاد شده است. این همان دوری است که فلسفه دریدا جوابی برای آن ندارد. اگر در محدوده‌ی فلسفه و معارف اسلامی اندیشمندان ما داشته‌های خود را بسیج کنند از لحاظ نظری برای تنگناهایی که دستگاه‌های فلسفی دنیا دست به گریبان آن هستند راه‌حل‌های خوبی را می‌توانند به دنیا عرضه کنند. در حوزه ادبیات خلاقه هم می‌توانیم داشته‌هایی را به دنیا عرضه کنیم.

شاه‌آبادی: برای جهانی شدن باید بومی شویم

در بخش دیگر از نشست «ترجمه در حوزه‌ی کودکان» شاه‌آبادی، مدیر تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: ما در کشور خود در حوزه ادبیات کودک آثار برجسته و ارزشمندی داریم که کاملاً قابل ارائه در سطح جهانی هستند. اما یکی از آفت‌هایی که در این مسیر وجود دارد شیفتگی و خودبزرگ‌بینی است. با اطمینان می‌گویم ادبیات کودک ما حرف‌های زیادی دارد و گاهی برخی از این حرف‌ها هنگامی که در قالب تصاویر در می‌آیند به دلیل داشتن زبان جهانی خیلی سریع‌تر با مخاطبان خارجی ارتباط برقرار می‌کنند. جشنواره‌های متعددی در حوزه‌ی تصویرگری تصویرگران ما



را به عنوان برگزیده انتخاب می‌کنند و به کتاب‌های ما جایزه می‌دهند و امروز هیچ جشنواره و مسابقه تصویرگری بدون حضور موثر و چشم‌گیر تصویرگران ایرانی برگزار نمی‌شود. همچنین ناشران زیادی در دنیا به تصویرگران ما برای تصویرگری کتاب‌های خود رجوع می‌کنند و روز به روز بر تعداد تصویرگران ایرانی که در سطح جهانی کار می‌کنند افزوده می‌شود. اما در حوزه ادبیات شاید نبود زبان جهانی و محدود سبب شده است بسیاری از آثار به چشم نیاید دیده نشوند.

وی با تاکید بر این امر که با داشتن چنین موقعیتی باید نیروی بالقوه‌ای را که دارا هستیم هرچه سریع‌تر به فعل درآوریم توضیح داد: در سطح آسیا به جرات می‌توانم بگویم کشور ما و ژاپن و کره در حوزه کتاب کودک بهترین‌ها هستیم. تعداد آثار ارزشمند ما از آن‌ها بیشتر است هرچند معدل آثار آن‌ها بالاتر است. در سطح جهانی نیز حرف‌های زیادی برای گفتن داریم. در خاورمیانه مقام نخست به ما اختصاص دارد و رقیبی نداریم. اما در مقایسه با کشورهای اروپایی چون صنعتی با عنوان صنعت نشر نداریم تولید کتاب در کشور ما با ضعف‌هایی روبروست و نمی‌توانیم با آن کشورها رقابت کنیم. اما خوب آثار شاخصی برای ارائه داریم.

وی در ادامه اظهار داشت: نخستین کاری که باید در این حوزه انجام داد فراگرفتن قواعد بازی است. هنگامی که وارد بازار کتاب یا نشر می‌شویم باید قوانین آن را رعایت کرد. مهم‌ترین قانون این بازار کپی‌رایت است. اگر این مهم را رعایت نکنیم و وارد تعامل نشویم این امکان را پیدا نمی‌کنیم که کارهای خود را ارائه دهیم. تجارت بزرگراهی دو طرفه است. باید وارد تجارت کتاب شویم. حوزه نشر بیش از آن که فرهنگی باشد حوزه‌ای صنعتی و تجاری است. کار فرهنگی پس از آن که به دست ناشر رسید تمام می‌شود و پس از آن دیگر یک فعالیت تجاری به حساب می‌آید.

معاون فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با تاکید بر نیروی بالقوه‌ی ادبیات کودک ایران توضیح داد: این نیرو می‌تواند در سطح جهانی مطرح شود و در بازار جهانی برای ما جایگاه خوبی را پدید آورد. اما یک آفت بزرگ دیگر که در این حوزه وجود دارد و باید از آن دوری کرد شیفتگی و رعب است که هر دو، دو روی یک سکه هستند. هر دو گروهی که به هر کدام از این مسائل روی می‌آورند و توجه می‌کنند در نهایت به یک نقطه می‌رسند و آن هم شکست است. در برابر آن چه که در غرب و اروپا می‌گذرد، تولیدات فرهنگی آن‌ها و امکاناتی که دارند ما گاهی به شدت مرعوب و خودباخته می‌شویم و احساس می‌کنیم هرگز به سطح آن‌ها نمی‌رسیم. هنگامی که مرعوب می‌شویم رو به رفتارهایی می‌آوریم که شکست ما را قطعی‌تر می‌کند. اما خودشیفتگی هم مضراتی دارد. این که بگوییم هنر نزد ایرانیان است و بس و اروپاییان هرچه دارند از ما برداشت کرده‌اند نیز ما را به شکست می‌رساند. چنین حرف‌هایی از سر بی‌اطلاعی است. در تمام دنیا داستان‌ها و افسانه‌های نزدیک به هم وجود دارد و نمی‌توان گفت که از دیگری سرقت کرده‌اند؛ چراکه یکی از کارهایی که بازگنان در قدیم انجام می‌داده‌اند تعریف قصه بوده و این موضوع در تاریخ رنسانس نیز آمده است. ما باید بپذیریم همه ملت‌ها فرهنگ دارند و فرهنگ آن‌ها نیز غنی و قابل احترام است.

وی در ادامه اظهار داشت: باید با نگاهی منطقی و معتدل به بازاریابی بپردازیم و بینیم کدام کتاب ما برای کدام منطقه جغرافیایی با چه فرهنگ، اقتصاد و سیاستی مناسب است و با چنین ویژگی‌هایی جذابیت دارد. هنگامی که مرعوب غرب می‌شویم سعی می‌کنیم کتاب‌های خود را از نظر تصویرگری، جلد و صفحه‌آرایی و حتی داستان شبیه کتاب‌های آن‌ها بکنیم. اما این مسئله منجر به تولید آثار دست‌چندم اروپایی می‌شود که هرگز توجه آن‌ها را به خود جلب نمی‌کند. آن چه که برگ برنده‌ی ما به ویژه در بازارهای اروپایی به حساب می‌آید فرهنگ ماست. داشته‌های فرهنگی و ریشه‌های سنتی ما برای اروپایی‌ها جاذبه بسیاری دارد. در این جا این اصل که برای جهانی شدن ابتدا باید بومی شویم را می‌بینیم.

شاه‌آبادی به شرایط موفقیت در حوزه‌ی تجارت کتاب اشاره و تصریح کرد: اگر در حوزه‌ی تجارت کتاب فرهنگ و داشته‌های فرهنگی خود را ارائه کنیم به‌طور قطع موفق هستیم. در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تجربه‌های خوبی در این زمینه داریم. به عنوان مثال کتاب «حکایت‌نامه» که در سال ۱۳۸۱ چاپ شد مجموعه‌ای از حکایت‌های فارسی با شیوه‌ی صفحه‌آرایی سنتی ایرانی و تصاویر مدرن بود. این کتاب را در نمایشگاه «بولونیا» شرکت دادیم و توانست جایزه‌ی نخست «افق‌های ویژه» را به خود اختصاص دهد. رای هیات داوران درباره‌ی این کتاب شنیدنی بود. داوران گفته بودند طی صدها سال کتاب‌های متعددی در سراسر دنیا چاپ شده است که همگی شبیه یکدیگرند اما امروز با کتابی مواجه هستیم که خودش می‌تواند سرشاخه‌ای از کتابی جدید باشد و کتاب‌های دیگر از آن تقلید کنند. این سخن شیرین و شنیدنی بود.

وی افزود: تجربه‌ی دیگر در ارتباط با کتاب‌های «رستم و سهراب» و «طوطی و بازرگان» است که با تصویرگری بر مبنای نقاشی قهوه‌خانه‌ای توسط کانون به چاپ رسید. صفحه‌آرایی این کتاب‌ها بر مبنای صفحه‌آرایی کتاب‌هایی که در موزه‌ی «رضا عباسی» نگهداری می‌شود صورت گرفته بود. این دو کتاب بیشترین میزان ترجمه را در سراسر دنیا

داشتند و به زبان‌های فرانسوی، چینی، ایتالیایی و ترکی استانبولی ترجمه و منتشر شده‌اند. حتی آموزش و پرورش ژاپن ۵۰۰ نسخه از نسخه‌های فارسی آن را خریداری کرد تا در مدارس توکیو توزیع کند.

مدیر تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان توجه به نیازها، ویژگی‌ها و خلاءهای هر بازاری را امری اساسی معرفی کرد و گفت: علت این که به سراغ ترجمه می‌رویم این است که می‌خواهیم از تجربه‌های دیگران استفاده کنیم. پس آن چه را که به دیگران ارائه می‌کنیم نیز باید برای آن‌ها جدید باشد. حضور حرفه‌ای در نمایشگاه‌ها و حمایت‌های دولتی نیز در این حوزه موثر است. همان‌طور که گفتیم این کار بیش از آن که فرهنگی باشد فعالیتی صنعتی و تجاری به حساب می‌آید. کار دولت‌ها نیز حمایت از چنین کارهایی و همواره کردن زمینه‌هاست تا صنعت‌گران آن‌ها در کشورهای دیگر بتوانند کالاهای خود را به فروش برسانند.

وی به ارائه مثالی در این حوزه پرداخت و توضیح داد: در بخش بازار جهانی کتاب نمایشگاه بین‌المللی می‌بینیم که بسیاری از کشورها پس از نیازسنجی و انتخاب کتاب‌های مناسب تسهیلاتی را برای کشور مقصد در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال اگر آن کتاب‌ها را انتخاب کنیم حق کپی‌رایت و حقوق مترجم را پرداخت می‌کنند و ما باید تنها هزینه انتشار آن کتاب را بپردازیم. کشورهایی همچون سوئیس، ترکیه و آلمان چنین روشی را به کار گرفته‌اند. این روش موفقیت بیشتری را برای ما به همراه دارد تا رایزنی فرهنگی ایران در هر کشوری به تشخیص و صلاحدید خود کتاب را ترجمه و منتشر کند اما مجبور باشد آن‌را در انبار نگهداری کند؛ چراکه پاسخگوی نیازهای فرهنگی و ادبی آن کشور نبوده است.

یوسفی: ضرورت‌های ترجمه در آن سوی مرزها را در نظر بگیریم



محمدرضا یوسفی نیز در این نشست به ارائه تجربه‌های خودش از ترجمه کتاب‌هایش به زبان‌های دیگر پرداخت و گفت: بخشی از آثار من به زبان‌های ارمنی، کره‌ای، ایتالیایی و انگلیسی ترجمه شده‌اند. به نظر من این امر قدم خوب و مثبتی در این حوزه بوده که پس از سال‌ها اتفاق افتاده است. اگر نخستین گام‌ها در این حوزه از آغاز سنجیده و حساب شده باشد مطمئناً آثار بسیاری داریم که قابلیت ترجمه شدن را دارند. تأثیری که ادبیات کهن ما بر ادبیات جهان داشته است را دیده‌ایم. پس در حوزه ادبیات کودک نیز می‌توانیم تأثیرگذار باشیم.

وی درباره‌ی نهادهایی که در حوزه‌ی ترجمه‌ی ادبیات کودک فعال هستند توضیح داد: نهادهایی که زمینه‌ی عرضه‌ی ادبیات کودک به آن سوی مرزها را مهیا می‌کنند بخش دولتی، انجمن‌ها و ناشران بخش خصوصی هستند. انجمن‌ها و ناشران خصوصی که تعاریف بین‌المللی را

پذیرفته‌اند و رعایت می‌کنند در این حوزه موفق‌ترند و آثاری را که به زبان‌های دیگر ترجمه می‌کنند با استقبال بیشتری روبرو می‌شود. دلیل این امر این است که این آثار پشتوانه‌ای ندارد و تنها پشتوانه‌ی آن‌ها خودشان هستند. این آثار از میان آثاری انتخاب شده‌اند که به مخاطب توجه کافی داشته‌اند. بحث اساسی در رابطه با بخش دولتی است. دو بخش دیگر هرچند حیطه کاری گسترده‌ای ندارند اما در این حوزه فعالیت خوبی دارند. باید بخش دولتی را ساماندهی کنیم و در آن سوی مرزها به ضرورت‌ها و نیازهای کشورهای دیگر توجه کنیم. بدون توجه به ضرورت‌ها تنها هزینه‌ها هدر می‌رود. به عبارت دیگر باید میان ایدئولوژی و ادبیات یک مرز بکشیم. نمی‌توان با ایدئولوژی حرکت کرد و در این حوزه موفق بود.

این نویسنده با تأکید بر اهمیت کیفیت ترجمه اظهار داشت: ما مترجم ادبیات نداریم و تنها یک مترجم ادبیات می‌تواند ادبیت اثر را منتقل کند. این یک فرایند است و باید روندی طی شود تا مترجمان جدی در حوزه‌ی ادبیات تربیت شوند. به عنوان مثال در آلمان متوجه شدم آن‌ها به دنبال متون فولکوریک و بازآفرینی شده‌ی ما هستند. البته تعریف من از بازآفرینی متفاوت است. من بازآفرینی را الهام گرفتن از متون فولکوریک و متون کلاسیک معنی می‌کنم. این نوع ادبیات از آن‌جا که ریشه در متون کهن ما دارد برای دیگر فرهنگ‌ها جذاب است.

وی در پایان تشریح کرد: ما در حوزه‌ی ادبیات خلاقه آثار قابل عرضه فراوانی داریم. اما گاه دچار خودفراموشی شده‌ایم. ویژگی ادبیات این است که در اجزاء خودش کل است. ادبیات هر ناحیه‌ای از آن‌جا که متفاوت است پس در نوع خودش قابلیت جهانی شدن دارد. پس باید زمینه را برای عرضه‌ی ادبیات محیا کنیم و البته به دور از نگاه‌های غیر ادبی باید این فرهنگ را به جهان ارائه کنیم. تمام ادبیات ما ریشه در اندیشه و ادبیات کهن و فولکوریک ما دارد؛ چراکه این متون آبخور ادبیات کودک ما هستند.